

تعاون



یک شبه دموکراتیک غیر سیاسی

تعاون به معنی وسیع و عام آن همانا همکاری و مشارکت دسته جمعی مردم در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی آنهاست. به طور کلی مردم در زندگی خود با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند و برای حل این مشکلات هیچ فردی دارای توانایی و امکانات مناسب و کافی نیست. بنابراین برای دانستن زندگی بهتر، باید مردم با یکدیگر و با مشورت همدیگر، مشکلات را حل نمایند. تعاون یکی از راههای شناخته شده برای حل مشکلات زندگی است، زیرا با کار گروهی و مشورت، مشکلات و مسائل انسان را حل خواهد شد. به عبارت دیگر تعاونی یک موسسه خودجوش و اختیاری می‌باشد که توسط اعضای خود به وجود آمده و خدماتسانی به آنها را بر عهده می‌گیرد. تشکیل تعاونیها به این جهت صورت می‌گیرد که کالا و خدمات مناسب را به اعضای خود ارائه نماید و زمینه‌ای را به وجود می‌آورد که اعضا سرنوشت اقتصادی و اجتماعی خود را بدست گیرند. تعاونیها کمتر با شکست روبرو می‌شوند، برای اینکه ملاک و معیار خدمت اعضای کانون تلاش محلی و منطقه‌ای می‌باشد.

خدا بخش نژاد سلیم
علیرضا برمزیار

فلسفه ایجاد تعاونی دارای قدمت طولانی است و این همکاری‌ها از زمانهای گذشته بر حسب ضرورت زندگی اجتماعی و به صورت غیر رسمی وجود داشته است. اما نهادهایی که امروزه به اسم شرکتهای تعاونی شکل گرفته‌اند و حالتی رسمی و علمی دارند با همکاریهای سنتی پیوند می‌خورند زیرا عامل اصلی که تعیین‌کننده ماهیت تعاون در شکل سنتی و امروزین آن است همان پدیده همکاری است که تعدادی افراد برای حل مشکلات خود به آن متوسل می‌شوند.

بر این اساس همکاریهای سنتی پیش از ظهور اقتصاد بازار (اقتصاد پولی) و در جوامع بسته و خود مصرف بوجود آمده‌اند. در حالی که شرکتهای تعاونی یا تعاونیهای رسمی در جامعه‌ای که روابط جدید اقتصادی و اقتصاد بازار در آن حاکم است، امکان تشکیل و توسعه یافته‌اند.

در باره شرکتهای تعاونی چهار تعریف مختلف از جانب صاحب نظران مطرح شده است که در ذیل به دو تعریف بسنده می‌شود:

تعاونی مؤسسه‌ای است که از طرف اعضای سازمان یافته ایجاد می‌گردد و توسط خود آنها اداره می‌شود و به تدارک و ارائه خدمات به اعضا به قیمت تمام شده می‌پردازد به عبارت دیگر شرکت تعاونی سازمانی است اقتصادی و اجتماعی که از تجمع آزادانه و داوطلبانه افراد به منظور مشارکت هر چه بیشتر در فعالیتهای خاص برای رسیدن به هدف مشترک اعضا به وجود آمده است. افزون بر این می‌توان گفت شرکت تعاونی، سازمانی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که هدف آن حل مشکلات، تامین رفاه و زندگی بهتر برای اعضا است. برای این کار اعضا از راه تعاون و همیاری، دست به دست یکدیگر داده و از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌کنند.

هر گاه یک گروه از مردم، از روی میل و علاقه برای رسیدن به هدفهای مشترک، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طبق اساسنامه شرکتهای تعاونی و قانون تعاون با مشورت و همفکری گرد هم می‌آیند و به حالتی عادلانه، با سرمایه‌گذاری فعالیتی را شروع می‌نمایند و در سود و زیان آن سهیم می‌شوند، در واقع یک شرکت تعاونی تأسیس کرده‌اند. افرادی که شرکت تعاونی را تشکیل می‌دهند و تصمیم می‌گیرند، اعضای تعاونی نام دارند و هر یک از آنها را یک عضو شرکت تعاونی می‌نامند.

تاریخچه تعاونیها

مطالعه تاریخ زندگی انسانها نشان می‌دهد که از ابتدا انسانها با تعاون و فعالیتهای گروهی آشنا بوده‌اند. آنها برای رفع نیازهای خود با مردم همکاری داشته‌اند. یعنی تعاون و همکاری انسانها با هم تنها راه غلبه بر

خطرها و مشکلات زندگی بوده است.

در واقع می‌توان گفت که سیر تاریخی و فلسفه پیدایش شرکتهای تعاونی همانطور که پیش‌تر بیان شد، از گذشته‌های دور بر حسب نیاز بین انسانها مرسوم بوده است و اکثرأ حالتی غیررسمی داشته و بر طبق مقتضیات زمان و مکان دارای اصول و ضوابط متفاوت بوده است. ولی آن چه که باعث ایجاد تعاونی‌ها به شکل امروزی و شکل‌گیری نظریات تعاون شده ریشه در تحولات و تغییرات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ از جمله انقلاب صنعتی انگلستان دارد.

اصول تعاون

کمیته نظرخواهی اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA)، هفت اصل از ۱۵ اصلی را که از متن تاریخ پیشگامان راچدیل ترجمه شده پذیرفته است این اصول به شرح زیر است:

- ۱- عضویت آزاد و اختیاری
- ۲- نظارت جمعی (دموکراتیک)؛ هر عضو یک رأی
- ۳- محدودیت سود سرمایه
- ۴- تقسیم سود بر مبنای معاملات عضو با شرکتهای تعاونی و تقسیم آن به نسبت خرید
- ۵- بی‌طرفی در مسائل سیاسی و مذهبی
- ۶- معاملات نقدی
- ۷- بالا بردن سطح دانش اعضا و کارکنان شرکت تعاونی

اما در این فهرست، کمیته مورد بحث بین چهار اصل اول و سه اصل بعد تفاوت و تمایز قائل شده است. در واقع قبول و تعهد اجرای چهار اصل اولیه از نظر اصول و اختصاصات تعاونی برای هر شرکت یا سازمان که مدعی آن باشد، لازم دانسته شده است. ممکن است گفته شود که کمیته مورد بحث به مطالعه مقررات و ابعاد اجرایی اصول شرکت راچدیل پرداخته که شرکت تعاونی مصرف‌دهنده است، اما در اقع باید گفت: کمیته مذکور در جستجوی یافتن اصولی بود که می‌بایست در بعد جهانی نهضت تعاونی کاربرد داشته باشد و معرف سنخیت شرکت تعاونی باشد. افزون بر این، رعایت چهار اصل اول گاهی به شکل دستورالعمل اصلاح شده و تغییر یافته امروزی برای کلیه سازمانهایی که مایل به پیوستن به اتحادیه بین‌المللی هستند، لازم دانسته شده است. در مورد شرکتهای تعاونی بازاریابی

تولیدات، سود سهام می‌تواند بر اساس فروش نه بر مبنای خرید محاسبه و بین اعضا توزیع شود.

با توجه به سه اصل آخری، کمیته ناگزیر بود آنها را به عنوان بخشی از سیستم راچدیل بپذیرد و بنابر شواهد این موارد می‌توانستند به عنوان روشهای اساسی کار و سازمان شرکت تعاونی مورد توجه قرار گیرند تا این که

آن چه که باعث ایجاد تعاونی‌ها به شکل امروزی و شکل‌گیری نظریات تعاون شده ریشه در تحولات و تغییرات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ از جمله انقلاب صنعتی انگلستان دارد.

به صورت استانداردهایی شناخته شوند که توجه نکردن به آنها به شخصیت تعاونی شرکت لطمه وارد می‌آورد.

تمایزی که کمیته مزبور بین روشها و استانداردها قائل شده است، تنها یک نقطه ارزنده به نظر می‌آید. این که چهار اصل نخستین برای جنبه تعاونی بودن هر شرکت یا فدراسیون تعاونی ارزش حیاتی دارد و غیر قابل انکار است، به همین ترتیب این قاعده در مورد روشها مانند آن سه اصل بعدی صدق می‌کند. در حقیقت هر هفت اصل یاد شده دقیقاً و به درستی مقررات عملی نام گرفته‌اند که اگر از روی اعتقاد و ایمان و به صورتی کار آ و موثر به اجرا در آیند، می‌توان اطمینان داشت که شرکت تعاونی توانسته است شخصیت تعاونی را حفظ کند و در صورتی که موفق نگردد، دست کم می‌تواند از بعضی از علل متعارف شکست اجتناب ورزد. تنظیم و طبقه‌بندی نهایی کمیسیون نه تنها از سوی کنگره سال ۱۹۶۶ وین تصویب شد، بلکه در آن از نقطه نظر پیوستگی با مقررات و شرایطی که برای پذیرفتن اعضای جدید و ابقای اعضای قبلی وضع شده، نکاتی به شرح زیر گنجانیده شده است:

۱- عضویت در یک شرکت تعاونی باید داوطلبانه و آزاد باشد، به نحوی که هر فرد بتواند از خدمات آن بهره‌مند شود و نیز مایل به پذیرش مسؤولیت‌های ناشی از عضویت در شرکت تعاونی باشد باید بتواند به دور از هر گونه تبعیض قراردادی، نژادی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی و محدودیت‌های ناشی از آنها در شرکت تعاونی عضو باشد.

۲- شرکتهای تعاونی سازمان‌هایی دموکراتیک هستند. امور شرکت تعاونی باید به دست افرادی اداره شود که از سوی اعضا انتخاب یا منصوب شده‌اند و باید جوابگوی انتخاب‌کنندگان خود باشند. اعضای شرکتهای تعاونی (اولیه) باید از حق تساوی آرا (هر عضو یک رای) برخوردار شوند و در تصمیماتی که بر وضع شرکتهای تعاونی آنها اثر می‌گذارند، مشارکت داشته باشند. در اتحادیه شرکتهای تعاونی نیز امور باید بر مبنای دموکراتیک رهبری و به شکل مناسب اداره شود.

۳- چنانچه شرکت تعاونی بخواهد به سهام اعضا سودی بپردازد باید به میزان محدود باشد

۴- چنانچه از حاصل معاملات شرکت، مازاد باقی بماند به اعضای آن تعلق دارد و باید به ترتیبی توزیع شود که هیچ عنوانی نتواند به حساب دیگران از شرکت تعاونی نفع ببرد. مازاد درآمد شرکت تعاونی را بنابر تصمیم اعضا می‌توان به ترتیب زیر به مصرف رساند:

الف) با تخصیص مازاد درآمد برای توسعه امور بازرگانی

ب) با تخصیص خدمات آن برای خدمات عمومی که کلیه اعضا از آن بهره‌مند شوند.

ج) با تقسیم آن میان اعضا بر اساس معاملات آنان با شرکت
د) کلیه شرکتهای تعاونی باید برای اعضا، مدیران، کارمندان و توده مردم در مورد اصول و تکنیکهای تعاون در زمینه‌های دموکراتیک و اقتصادی برنامه‌های آموزشی تدارک ببینند.

ه) کلیه شرکتهای تعاونی برای تأمین منافع اعضا و جامعه خود باید به نحوی فعال با سایر شرکتهای تعاونی خواه در سطح محلی و ملی و خواه در سطح بین‌المللی در هر زمینه همکاری کنند. مقایسه متن بالا در هر فهرستی که در سال ۱۹۳۴ تهیه شده است آشکار می‌سازد که از این صراحت و وضوح منافع بسیاری به دست آمده است.

۵- کمیسیون بر جهان شمولی اصول تعاون تأکید ورزید، به نحوی که می‌باید از سوی کلیه شرکتهای تعاونی در هر دوره‌ای مورد توجه واقع شود. در این متن بر مفهوم آزادی عضویت و بی‌طرفی در امور سیاسی و مذهبی با دقت بیشتری تأکید شده است کمیسیون فقط پرداخت سود به سرمایه را محدود می‌کند، در حالی که اجازه می‌دهد اعضا از محل مازاد درآمد سهمی به خود اختصاص دهند و یا این سود صرف مقاصد اجتماعی شود. کمیسیون نظر کمیته سال ۱۹۳۴ بر اجباری بودن برخی از اصول و غیر اجباری بودن اصول دیگر را نپذیرفت زیرا معتقد است در بین اصول اساسی هیچ نوع تمایز و ارزش متفاوتی نمی‌توان قائل شد.

اهداف تشکیل تعاونی و شرکتهای تعاونی

هدف تشکیل تعاونیها استفاده از نیروی فردی اعضا در همکاری جمعی است تا حدی که در یک نظام پیشرفته تعاون، اعضای تعاونیها برای رفع حوائج خود به هیچ کس حتی دولت محتاج نباشند.

بنابراین، تشکیل یک شرکت تعاونی بدین معنی است که با تجمع نیروهای فردی، وقت، انرژی و سرمایه انسانها، مؤسسه‌ای به وجود می‌آید که قادر است برای همه اعضا خدماتی انجام دهد که هر یک به تنهایی قدرت انجام آن را نداشته‌اند. به طور مثال، بدون عضویت در یک شرکت تعاونی مصرف و تشکیل یک نیروی جمعی از مصرف‌کنندگان، فرد یا خانواده مصرف‌کننده فاقد هر گونه

توان رویارویی با قدرتهای فائق اقتصادی در بازار است.

الف- نقش اجتماعی و اقتصادی تعاونیها، نگاهی به موضوع توسعه جهانی تعاونیها، طیف وسیعی از عملکرد و فعالیت بخش تعاون را آشکار می‌سازد. تعاونیها در بخشهای متعددی نظیر امور کشاورزی، مصرف، آبیاری، فرآوری

عضویت در یک شرکت تعاونی باید داوطلبانه و آزاد باشد، به نحوی که هر فرد بتواند از خدمات آن بهره‌مند شود و نیز مایل به پذیرش مسؤولیت‌های ناشی از عضویت در شرکت تعاونی باشد باید بتواند به دور از هر گونه تبعیض قراردادی، نژادی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی و محدودیت‌های ناشی از آنها در شرکت تعاونی عضو باشد.

مواد غذایی، صنایع دستی، منسوجات، فلز کاری، امور ساختمانی، برق رسانی، چرم کاری، چاپ، بهداشت، مؤسسات آموزشی، بانکها، آبرسانی، تفریحی و اوقات فراغت، هنری و حرفه‌ای و غیره حضور دارند. تعاونیها علاوه بر تدارک فرصتهای اشتغال و ایجاد درآمد، قادر به ارائه خدمات گوناگون اجتماعی به اعضای خود می‌باشند.

به عبارت دیگر می‌توان گفت: ریشه و منشاء و داعی و انگیزه‌های که فرد را داوطلبانه به عضویت در یک شرکت تعاونی موجود جلب می‌نماید و یا او را به تشکیل یک شرکت جدید از طریق همکاری با سایر افراد ترغیب می‌نماید را باید در موارد زیر جستجو نمود:

۱- در زمینه اقتصاد و منطق فرد علاقه‌مند به بهبود وضع اقتصادی خویش بوده و انتظار دارد که از مزایای اقتصادی عالیتری استفاده کند. این مزایا عبارتند از تحصیل، درآمد حقیقی بالاتر، استفاده از خدمات بهتر و بالاخره بهره‌مند شدن از زندگی عالیتربا معیارهای والا تر

۲- در زمینه اجتماعی - احساسی موجبات و علل اقتصادی آگاهانه یا ناخودآگاهانه فرد را در اتخاذ تصمیم تحت تاثیر قرار می‌دهد از جمله:

- انگیزه غریزی برای تحصیل اطمینان خاطر بیشتر به خصوص در ایام بحران و تغییرات اجتماعی که رهبری شرکت تعاونی و اشتراک مساعی با دیگران فراهم می‌سازد.

- تمایل به تقلید و یا تبعیت از سنت مورثی در اطاعت از قدرتهای حامیه

در کل اثرات اجتماعی تعاونیها شامل موارد زیر می‌باشد:

- اشتغال زایی
- آموزش رسمی و غیر رسمی
- آموزش حرفه‌ای
- هنرهای زیبا و ورزش
- کمک مالی حقوقی و خدمات مشاوره‌ای
- برنامه‌های رفاه روستایی
- مراقبتهای بهداشتی و خدمات درمانی
- فعالیتهای مربوط به حفظ محیط زیست
- تهیه آب آشامیدنی
- آموزش مصرف کنندگان
- احداث خانه
- ارتباطات روستایی

جهت با مؤسسات خیریه و سایر فعالیتهای صرفاً اجتماعی تفاوت دارد. این جملات را می‌توان با این عبارت که تعاونی نه برای سود، نه برای صدقه، بلکه برای خدمت تشکیل شده قرین ساخت.

امتیازات و مزایای تعاونیها

در کل می‌توان گفت که تعاونیها بر اساس ارزشهای خود یاری، خود مسؤولیتی، دموکراسی، عدالت و انصاف و همبستگی بنا می‌گردند و بنیانگذاران آن رفتاری منطبق با ارزشهای شرافت، گشاده‌رویی و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و کمک به یکدیگر را دارند.

اگر به این تعریف از تعاونی دقت کنیم چندین نکته حائز اهمیت در آن وجود دارد. اول اینکه تعاونی یک انجمن مستقل می‌باشد و این گفته به معنای آن است که وابستگی خاصی به ارکان دولتی یا خصوصی ندارد، بلکه برای خودش یک شخصیت حقوقی مستقل است و می‌تواند دارای برنامه و اهداف خاصی باشد.

دوم اینکه، از اشخاصی تشکیل شده که به صورت اختیاری و با آگاهی از وضعیت، شرایط و قوانین تعاونی به عضویت آن در می‌آیند. همانطور که استنباط می‌شود در اینجا بیشتر تکیه بر افراد است تا سرمایه آنها و این موضوع نشانه اهمیت انسانها در نزد این گونه مؤسسات است.

سوم این که اعضا به انگیزه برآوردن نیازهای خود در قالب کار گروهی برای رسیدن به هدف گروه، که در واقع هدف خود شخص را نیز برآورده می‌سازد به عضویت تعاونیها در می‌آیند و این هدف با شعار معروف یکی برای همه و همه برای یکی متجلی می‌شود. این امر نشان می‌دهد که در تعاونیها بیشتر رفع نیازهای مشترک مدنظر می‌باشد تا تحصیل حداکثر سود.

نکته چهارمی که دارای اهمیتی والا می‌باشد این است که اعضا فعالیت خود را با مشارکت و مدیریتی دموکراتیک انجام می‌دهند و مالکیت در آن به صورت مشاع می‌باشد، لذا برابری اعضا در تعاونی مطرح است و همان طوری که می‌دانیم وقتی که اصل برابری اعضا رعایت شود رعایت عدالت اجتماعی نیز در تأمین امکانات و همچنین بهره‌گیری از آن به راحتی امکان پذیر می‌شود.

اما نکته اساسی که جلب توجه می‌کند بحث مدیریت در

تعاونیها است همان طوری که می‌دانیم در تعاونیها اعضا از طریق مجامع عمومی، هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان را انتخاب می‌کنند که در نهایت مدیرعامل نیز توسط هیأت مدیره انتخاب می‌شود. این امر نشان دهنده مدیریت مشارکت یا رهیافت تصمیم از پایین به بالا در تعاونیها می‌باشد که امروزه در علم مدیریت طرفداران زیادی داشته و مورد قبول اکثر صاحب نظران است.

در شرکتهای تعاونی رنگ اقتصادی نمی‌تواند به رنگ اجتماعی غالب گردد، زیرا در غیر این صورت دیگر تعاونی نیست بلکه یک بنگاه تجاری می‌باشد که عده‌ای برای کسب سود به دنبال آن می‌باشند

در شرکتهای تعاونی رنگ اقتصادی نمی‌تواند به رنگ اجتماعی غالب گردد، زیرا در غیر این صورت دیگر تعاونی نیست بلکه یک بنگاه تجاری می‌باشد که عده‌ای برای کسب سود به دنبال آن می‌باشند و از طرف دیگر تعاونی صرفاً دارای اهداف اجتماعی نیز نمی‌باشد و از این

علاوه بر مزایای مذکور، پاره‌ای از امتیازات تعاونیها شامل موارد ذیل نیز می‌باشد:

خدمات: تعاونیهای خدماتی برای برآورده کردن نیازهای جمعی اعضا که شامل تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و کارگران هستند به وجود می‌آیند.

کنترل دموکراتیک: هر عضو تنها یک رای در مسائل و موضوعات تعاونی دارد.

صرفه‌جوییهای ناشی از مقیاس: تعاونی قدرت خرید و فروش متوسط اعضا را بالا برده و هزینه‌های فرآوری و معامله‌ای را کاهش می‌دهد.

منافع مالیات‌بندی: این هم به خاطر مفهوم تعاون و همکاری همیشه حاضر و در دسترس می‌باشد.

نقش و کارکرد تعاونیها

تعاونیها خریدهای کلی که شامل عرضه کود، بذر، مواد شیمیایی برای اعضا می‌باشد را سازماندهی می‌کنند.

تعاونیها بازاربازی محصولات کشاورزان را با اقدامات زیر تسهیل می‌کنند:

- وضعیت بازار را بررسی می‌کنند.

- بسته‌بندی و طبقه‌بندی محصولات اعضا را انجام داده و خدمات حمل و نقل را برای انتقال آن به بازار فراهم می‌کنند.

- قیمت‌گذاری، افزایش و فروش محصولات اعضا را بر عهده می‌گیرند.

- ارائه اعتبار اعضا برای خرید نهاده‌ها را بر عهده می‌گیرند.

- آگاه کردن کشاورزان و آموزش آنان را از طریق مطلعین و متخصصین آشنا به مسائل کشاورزی و در امور مربوط به درو و برداشت محصولات تسهیل می‌کنند.

مکاتب فکری در تعاونیها

تعاونی نظامی نیست که واجد یک مرام مشخص و مورد قبول تمام تعاونگران باشد. در واقع به دلیل جهانی بودن تعاون، انتظار یک

برداشت مشخص نیز از آن نمی‌رود. بنابراین همچون مفاهیم دموکراسی، نظریه‌های تشکیل تعاونی نیز در مکاتب مختلف پایه‌ریزی شده است. در مجموع چهار مکتب فکری اصلی در ادوار و نزد اقوام مختلف شناخته شده است که در ذیل بدان پرداخته می‌شود:

مکتب تعاونی مشترک‌المنافع

مطابق با فلسفه این مکتب، نهضت تعاون باید تمامی زمینه‌ها را در بر گرفته و در کلیه فعالیتها رایج شود تا آن

که به نظامی فراگیر تبدیل شود. این همان هدف پیشگامان راچدیل بود که برای ورود تعاون به کلیه عرصه‌ها هیچگونه محدودیتی برای آن قائل نشدند. اما امروزه همه، مگر عده قلیلی این طرز تفکر را بسیار آرمانی، جزمی و واهی می‌پندارند. این مکتب در جامعه کنونی نه عملی است و نه واقع‌گرایانه هر چند ایجاد یک تعاونی کاملاً از این دست، همانگونه که در مناطق مهاجرنشین هاتریت (کانادا) به چشم می‌خورد، امکان‌پذیر است.

مکتب کاپیتالیسم اصلاح شده

فلسفه این مکتب حاکی از آن است که تعاونیها از اساس کاپیتالیسم هستند، اما مجموعه‌ای از قوانین و مقررات در این مکتب معتقد است که تعاونیها برای مهار نظام کاپیتالیستی و فجایع به وجود آمده‌اند. همچنین در مواقعی که از نظر سرمایه‌گذاران، جذابیت لازم را ندارد و به عبارتی سود مطمئن یا کافی در بین نیست، تعاونیها شق مناسبی تلقی می‌شوند. تعاونیها نباید سود را حذف کنند، بلکه باید سعی شود همه سود آور شوند. در این مکتب کاپیتالیسم یک الگو و شکل قانونی تجارت است و تعاونیها صرفاً صورت اصلاح شده این نظام هستند. پیروان این مکتب به ویژه در آمریکای شمالی بسیارند.

مکتب سوسیالیستی

پیروان این مکتب اعتقاد دارند که تعاونیها لزوماً یک نهاد سوسیالیستی و دارای گرایش به جهان‌بینی جناح چپ هستند. عده‌ای از پیروان این مکتب تعاونیها را بیشتر یک نهاد عمومی می‌دانند تا خصوصی، در حالی که عده‌ای دیگر تعاونیها را به عنوان شرکای دولت در یک اقتصاد متمرکز سوسیالیستی می‌شناسند. این مکتب در قطب مخالف مکتب کاپیتالیستی قرار دارد و دولت را به عنوان مرجع مقتدر و صلاحیت‌دار بر کلیه فعالیت‌های اقتصادی و تعاونیها را به عنوان تابعی از مؤسسات دولتی می‌شناسند. این مکتب در کشورهای اروپای شرقی و بسیاری از کشورهای در حال توسعه رواج دارد.

مکتب بخش تعاونی

براساس فلسفه این مکتب، تعاونیها دارای یک بخش مجزای اقتصادی هستند که الزاماً با مؤسسات اقتصادی عمومی و کاپیتالیستی متفاوت می‌باشند، اما از هر دو نوع ویژگیهای خاصی را به ودیعه گرفته است. طرفداران این مکتب، به اقتصاد مختلط اعتقاد دارند و فعالیت تعاونیها با تجارت خصوصی و مؤسسات عمومی را مسالمت‌آمیز و هر سه را برای شکل‌گیری

یاندیت نهر و نخست وزیر فقید هند درباره تعاون گفته است: نه تنها شخصاً خود را یک حواری مکتب همکاری و تعاون می‌دانم، بلکه اعلام می‌دارم سرزمین هند نیز در انتخاب چنین راه و رسمی از هر حیث مخیر و آزاد است تا به جای هر مسیر دیگر طریق اقتصاد تعاونی را پیموده و به عقیده من سعادت و خوشبختی ملت هندوستان جز از طریق نهضت تعاونی میسر نخواهد بود.

اقتصاد ملی کمک یکدیگر می‌دانند. اگر بخواهیم براساس فلسفه این مکتب، پنداشتی درست از اقتصاد داشته باشیم، باید دایره‌ای با سه بخش مجزا از هم رسم کنیم که با تغییر شرایط اقتصادی، خطوط جداکننده این سه بخش گاه به گاه جابه‌جا می‌شود. حامیان مکتب بخش تعاونی با ارائه دلایل متقن بر موضع خود پابرجا هستند.

- هیچ نظامی قادر به ساختن یک نظام کامل اجتماعی نیست. بی‌شک کاپیتالیسم در این کار ناتوان بوده و هیچ نظامی از یک کیفیت یکپارچه برخوردار نبوده است. شاید آمیزه مناسبی از هر سه بتواند ما را هر چه بیشتر به نظام اقتصادی ایده‌آل نزدیک سازد. - اگر سه روش تجاری امکان عملکرد همزمان و مستقل را داشته باشند و تحت مقررات عمومی دولتی واحد و جاری بر کلیه مشاغل عمل کنند، هر یک مکمل دیگری و متخصص در امور اقتصادی خاصی خواهد بود که به بهترین وجه در ساختار آن نظام جا خواهد افتاد.

- با وجود هر سه بخش تجارت عمومی، تعاونی و خصوصی در کنار هم و فعالیت آنها به شکلی متوازن و مسالمت‌آمیز طیف گسترده‌ای از شرایط لازم مهیا خواهد بود، از جمله حمایت بین‌المللی و دولتی در صورت لزوم و از طریق منابع همگانی مورد استفاده عموم، مشارکت مستقیم شهروندان در امور اقتصادی مربوط به خودشان و پیشرفتهایی که از ابتکار خود افراد نشأت می‌گیرد.

تعاون در کشورهای در حال توسعه

توسعه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، جریانی خودجوش از تکامل نیروهای اجتماعی و اقتصادی درون جامعه است که همزمان همه نهادهای اجتماعی و اقتصادی را دستخوش تحول و دگرگونی کرده است. به عبارت دیگر مردم خود به جریانی توسعه دامن زدند و متعاقباً از آن متأثر شدند و تعاون نیز به دست خود مردم به وجود آمد. اما در گروه دیگر وضع کاملاً متفاوت بود در کشورهای سوسیالیستی هدف برقراری سوسیالیسم بود، لذا نظام، اقتصاد سوسیالیستی را الگوی توسعه اقتصادی خود قرار داده بودند و تعاون تنها در چارچوب این الگو آزادی حرکت داشت تا حدی که فقط بتواند به اهداف سوسیالیسم خدمت نماید. اما در کشورهای

در حال توسعه وضع به گونه‌ای دیگر بود. هنگامی که عوامل کلاسیک خارجی بازدارنده، دگرگونی و توسعه اقتصادی با مبارزات استقلال طلبانه و ضد استعماری این ملل تا حدودی از میان رفت، تمام وظیفه ایجاد این دگرگونی و توسعه بر دوش نیروهای سیاسی جوان این جوامع (دولت نوپا) افتاد. این نیروی سیاسی با سه مسأله کلی روبرو بود:

اول - یک اقتصاد روستایی بسته که عمدتاً بر نیروهای تولید کشاورزی - فنودالی به شیوه سنتی تکیه داشت.
دوم - سلسله مراتب اجتماعی که در رأس آن گروه قلیلی از مالکان عمده قرار داشتند و در قاعده آن توده عظیمی از رعا یا و کشاورزان که عقب ماندگی و بافت فکری ایستای آنان مانع بزرگی بر سر راه هرگونه تحول درونی و ذاتی بود.

سوم - نابرابری و بی‌عدالتی اقتصادی عظیمی که مانعی بزرگ بر سر راه هرگونه توسعه اقتصادی و تحول نیروهای تولیدی جامعه به شمار می‌رفت. هر سه مورد دقیقاً با ساخت ایدئولوژیک و خاستگاه اجتماعی دولت جوان در تعارض بود و تنها خود دولت بود که باید این ساخت اجتماعی - اقتصادی را دگرگون می‌کرد. برای این کار می‌بایست نهادهایی مناسب را با تشکل‌های اجتماعی این جوامع پیوند داد و تعاون از جمله نهادهایی بود که در این کشورها خود دولت مستقیماً آن را تأسیس و اداره می‌کرد. دولتهایی که در این کشورها پس از رهایی از استعمار یا نوسازی سیاسی به قدرت رسیده بودند دو نوع برخورد عمده با نهضت تعاونی داشتند: دولتهایی که توسعه و پیشرفت اقتصادی را هدف برتر خود می‌دانستند و تعاون را وسیله‌ای که به توسعه اقتصادی خدمت می‌کند محسوب می‌کردند. در این حالت تعاون به عنوان ابزاری برای سازماندهی و نوسازی روابط تولیدی، تخصیص متناسب منابع و نهایتاً تغییر در جریان منافع طبقاتی و ایجاد طبقه متوسط جدید پشتیبان سیاسی دولت جدید باشد محسوب می‌شد.

در دسته دوم از کشورهای در حال توسعه عدالت اقتصادی حساسترین مسأله‌ای بود که رهبران سیاسی بدان می‌اندیشیدند و به دنبال یافتن نظام اقتصادی و اجتماعی بودند تا ضمن آن که توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را تضمین نماید سرانجام به عنوان مکتبی که متضمن مفاهیم متعالی عدالت و رفاه انسانی است در جامعه تثبیت گردد. تعاون در این دسته از کشورها انتخابی بود به گفته «غنی قوسی» در این حالت تعاون به عنوان هدف سیاست توسعه اقتصادی مطرح گردید بارزترین شکل این برخورد با تعاون در کشور هندوستان بعد از پیروزی انقلاب به رهبری مهاتما گاندی مشاهده می‌شود. یاندیت نهرو نخست وزیر فقید هند درباره تعاون گفته است: نه تنها شخصاً خود را یک حواری مکتب

همکاری و تعاون می‌دانم، بلکه اعلام می‌دارم سرزمین هند نیز در انتخاب چنین راه و رسمی از هر حیث مخیر و آزاد است تا به جای هر مسیر دیگر طریق اقتصاد تعاونی را پیموده و به عقیده من سعادت و خوشبختی ملت هندوستان جز از طریق نهضت تعاونی میسر نخواهد بود.

نگاهی به موضوع توسعه جهانی تعاونیها. طیف وسیعی از عملکرد و فعالیت بخش تعاون را آشکار می‌سازد. تعاونیها علاوه بر تدارک فرصتهای اشتغال و ایجاد درآمد. قادر به ارائه خدمات گوناگون اجتماعی به اعضای خود می‌باشند.